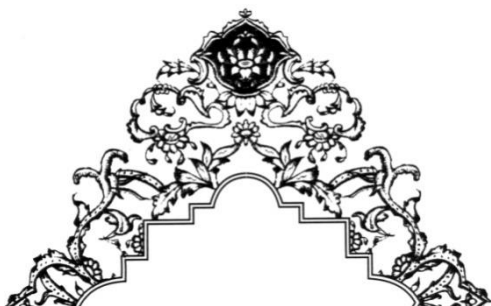




نمایشنامه

«بحر المیت»



سرشناسه	: گلزار، مهدی، ۱۳۷۵-
عنوان و نام پدیدآور	: بحرالمیت/ اثر مهدی گلزار (مهدی گلزار خزان: دوست اصل).
مشخصات نشر	: تهران : آماره ، ۱۴۰۳.
مشخصات ظاهری	: ۹۸ ص.
شابک	: 978-622-7326-88-8
وضعیت فهرست نویسی	: فیپا
یادداشت	: بالای عنوان: نمایشنامه.
عنوان دیگر	: نمایشنامه.
موضوع	: نمایشنامه فارسی -- قرن ۱۵ -- 21st century Persian drama
رده بندی کنگره	: PIR۸۳۵۹
رده بندی دیویی	: ۶۲/۲۸
شماره کتابشناسی ملی	: ۹۲۱۷۳۸۱

نمایشنامه

«بحر المیت»

اثر

مهدی گلزار

(مهدی گلزار خزان دوست اصل)



©Nashre Amareh, MMXXIV



عنوان اثر: بحرالمیت

نویسنده: مهدی گلزار

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۷۳۲۶-۸۸-۸

نوبت چاپ: اول تاریخ چاپ: ۱۴۰۳ تیراژ: ۲۰۰ نسخه
هرگونه کپی برداری، اسکن و میکروفیلم، برداشت آزاد، جزئی یا
کلی، اجرا؛ بدون اجازه مکتوب نشر آماره یا مولف ممنوع بوده و
پیگرد قانونی دارد.

محتوای اصلی کتاب بازتاب اندیشه‌های پدیدآورنده توسط ناشر
می‌باشد و مسئولیت درستی آن به عهده‌ی ایشان می‌باشد.
© تمامی حقوق چاپ و نشر برای نشر آماره محفوظ است.

دفتر مرکزی نشر آماره: تهران، میدان انقلاب، خیابان انقلاب، ابتدای
خیابان دوازده فروردین، پلاک ۳۱۶، واحد ۴ تلفن ۰۹۳۶۸۷۶۴۳۹۱

برای آگاهی از اطلاعات بیشتر به وبسایت نشر آماره مراجعه کنید:

www.nashreamareh.ir

قیمت: ۱۰۰ هزار تومان

سخن ناشر

ادبیات نمایشی در هر دوره تاریخی و در هر کجای جهان به عنوان اساس هنر نمایش و وجهه‌ای از فرهنگ و هنر حاکم بر هر جامعه، همواره متأثر از جریانات و عوامل تأثیرگذار داخلی و خارجی هر سرزمین بوده است، به این جهت پیشینه هر ملت و تاریخ او یکی از عوامل مؤثر در شکل‌دهی روند کلی هنر نمایشنامه‌نویسی محسوب می‌شود.

نمایش، قطعه‌ی هنری زنده‌ای است که نمایشنامه، شالوده‌ی اصلی آن است. متن نمایش، از مؤلفه‌های بسیاری همچون طرح داستانی، زمان و مکان، شخصیت، موسیقی، فضا و حرکت، کنش و... تشکیل یافته است که از طریق دیالوگ، حرکات و توضیحات صحنه به مخاطب ابلاغ می‌شود. نویسندگان در ارتباط مستقیم با روابط فرهنگی و اجتماعی زمانه خویش، همزمان با وقایع روز به خلق آثار می‌پردازند؛ و آثار ادبیات نمایشی در هر دوره از تاریخ، آینه تمام‌نمای اتفاقات اجتماعی، فرهنگی و سیاسی همان عصر است.

انسان زاده ناآرامی‌ها و طوفان حوادث، همواره در جستجوی آرامش، نیازی تازه می‌آفریند. در ادوار پیشین، در اندرون غارهای تاریک، برای کسب تأثیر جادویی حیات، نقوش زنده طبیعت را بر دیواره‌های سنگی، نقش می‌زند و شبانگاه به گرد آتش دانایی، برای هم‌نشینی و هم‌پایه‌های خود حوادث روزانه را با اشکال تن و روان خویش بازگو

می‌کند. قطعاً نگاه‌های گرم و آرامش‌بخش مخاطبین او را حریص‌تر و مطمئن‌تر می‌سازد. انسان وقتی فهمید که بانمایش توانسته ارتباط و لحظه‌های ناب‌ی را تجربه کند تصمیم گرفت کشف‌های جدیدتری داشته باشد. پس بشر برای حفظ مخاطب و تعریف قصه و ماجراهای ماندگار دست به آفرینش زد و بن‌مایه اصلی نمایش یعنی همان نمایشنامه متولد شد.

انسان کمی جلوتر، در میان آهن‌پاره‌های جامعه صنعتی، تنها، ناآرام، پوچ و بدون هیچ هویت انسانی، به انتظار پایان می‌نشیند و دوباره هنر او را نجات می‌دهد. آن زمان که دردها و رنج‌های خود را در نمایشنامه‌ها روی صحنه می‌بیند و این آغاز تولدی دوباره است.

بشریاد می‌گیرد که هنر را نه در خدمت زندگی، بلکه هدف زندگی قرار دهد. انسانی که دیوانه‌وار به دنبال پیشرفت و تکنیک بود حالا استعداد عاطفی و انسانی خود را دوباره پیدا کرده بود و این اکتشاف در متن جنگ‌های جهانی، هراس مرگ، غربت، گرسنگی و... هم پایانی نداشت و در چهارچوب سخت روزگار فریاد مظلومانی شد که سقف فلزی و سرد گلوله‌ها، موشک‌ها و تانک‌ها لحظه‌های آن‌ها را پر از تراژدی‌های خونبار کرده بود.



و حالا بشر بعد از گذشت قرن‌ها در پی بیداری انسانیت
خفته، در پی حفظ نیازهای عاطفی جمعی و سرگرمی به
این هنر پناهنده شده است و می‌داند که تنها راه نجات
همین است: از خود تا دیگری گستردن!

دبیر بخش ادبیات نمایشی نشر آماره
هومن بنایی

بیانیه‌ی هیأتِ داورانِ نخستین جشنواره‌ی نمایشنامه‌نویسیِ آماره

نمایش، انسانی‌ترین هنر، از دورانِ نخستینِ زندگیِ آدمیان تا به امروز بوده است. اسطوره‌هایِ کهنِ یونان، هند، ایران و تمامیِ کشورهایی که از سابقه‌یِ تمدنیِ برخوردارند، در شکل و شمایلِ اسطوره، برایمان به یادگار مانده است.

از تاریخِ عمرِ نمایشنامه‌نویسیِ در ایران، بیش از یک سده گذشته است. جدا از «فتحعلی آخوندزاده» و «میرزا آقا تبریزی» در پسامشروطیت، اول‌بار «حسن ناصر» نمایشنامه به شیوه‌یِ فرنگِ نوشت و اول‌بار در تاریخِ ۱۲۸۹ شمسی در رشت این اثر را اجرا کرد. از آن تاریخ تا به امروز، هیچ‌یک از آثارِ نمایشیِ نویسندگانِ نامدارِ ایرانی، موردِ پژوهشِ علمی قرار نگرفته است. چرا که پژوهشِ تئاتر در ایران، هنوز جایگاهِ خود را نیافته است و کمبودِ آن آفتِ بزرگِ تئاترِ ماست. اما بودند و هستند نهادهایی فرهنگی که با برگزاریِ جشنواره‌یِ انتخابِ آثارِ نمایشیِ برتر، نویسندگانِ - اغلبِ جوان را - گردِ هم آوردند و آثارشان را داوری کردند و در نهایتِ آثارِ برتر معرفی و انتخاب شدند تا به‌خاطر داشته باشیم که چراغِ نمایشنامه‌نویسی در ایران هنوز روشن است.

برگزارکننده‌ی این جشنواره از بخشِ خصوصی است و این اتفاقِ تازه‌ای در فرهنگِ تئاترِ ما، خوشبختانه کارش انتشارات است و برتر از همه ناشرِ آثارِ نمایشی است. این را

به فالِ نیک می‌گیریم چراکه چشم‌اندازِ روشنی پیش روی ما قرار گرفته است؛ یعنی چاپِ آثارِ برترِ این جشنواره و معرفیِ نویسندگانِ اغلبِ جوانِ آن.

هیأتِ داورانِ «نخستین جشنواره‌ی نمایشنامه‌نویسی انتشاراتِ آماره» بر این باور است که نمایشنامه‌نویسانِ جوانِ ما به شدت نیاز به جوهرِ فرهنگِ یعنی زبان دارند. تئاترِ یعنی دیالوگ و دیالوگ در فارسی یعنی گفت‌وگو و در قلمروِ تئاترِ یعنی گفت‌وگویِ هدفمند. زبان — که عقل خاستگاه آن است — مهمترین دستمایه‌ی نویسنده است و زبانِ روان، نمایشی و باشکوه به دست نمی‌آید، مگر با آشنایی با متونِ کلاسیکِ ادبِ پارسی.

هیأتِ داوران بر این باور است که ناشرِ آثارِ نمایشی — نمایشنامه — همواره به یک ویراستارِ مسلطِ به نمایشنامه نیاز دارد. تقریباً تمامِ آثارِ ارسال‌شده به این جشنواره، نیاز به ویراستاری و گاه ویراستاریِ بسیارِ جدی دارند. در مجموعه آثارِ ارسالی به جشنواره، گاه می‌شد با جابه‌جاییِ یک صحنه و گاه حذفِ صحنه‌ای، اثر را قَبْرَاق‌تر، خوش‌ریخت‌تر و روان‌تر ساخت.

هیأتِ داوران از کلیه‌ی نمایشنامه‌نویسانی که در این جشنواره شرکت کردند سپاس‌گزار است و امیدوار که آثارِ



برتر، با ویراستاری از طرفِ ناشرِ محترم، به درستی معرفی و موردِ تقدیر قرار بگیرند.

از آنجا که این جشنواره ویژه‌ی استادِ فرهیخته «خسرو حکیم رابط» است؛ هیأتِ داوران بر خود واجب می‌داند با احترام به این استادِ بزرگ، برایشان آرزوی تندرستی و سلامتی کند.

هیأتِ داورانِ «نخستین جشنواره‌ی

نمایشنامه‌نویسی نشرِ آماره»

فرامرز طالبی، محمد یعقوبی و ناهید

احمدیان

۲۹ اردیبهشت ۱۴۰۱

بَحْرُ الْمَيِّتِ

مهدي گلزار

بنا بر نظر هیأتِ داورانِ
«نخستینِ جشنواره‌ی نمایشنامه‌نویسیِ نشرِ آماره»
نمایشنامهٔ بحرالْمیت در بین آثار شرکت‌کننده
رتبهٔ اول را کسب کرد.

و من
ناتوان از پاسخ به محبت‌های
نامنتهای زیبایی...
هرچه دارم
از لطف،
ایثار و
مهر
بی دریغت

به «مادر عزیزتر از جانم»

::

م.گ

شخصیت‌ها:

- اسماعیل** سی ساله. خرددار دکان حاجی عراقی. قد متوسط. ریش بلند. پیراهن سیاه گشاد بر تن دارد.
- الهام** بیست و هفت ساله. زن صیغه‌ای اسماعیل. بسیار خوش سیما. چشم رنگی. بلند قد. خوش صدا.
- فواد** بیست و سه ساله. تنومند، موهای سر و صورت تراشیده. سمک در گوش چپ. لباس معمولی بر تن دارد.
- صفیه** چهل و پنج ساله. زن عقدی اسماعیل. کریه و بد سیما. لباس‌های تیره با منجوق دوزی زیاد بر تن دارد.
- ماجد چرخچی** شصت ساله. قوزی. ریش بلند و سبیل‌های زرد چرک. کت پشمی تیره-رنگ ژنده و شلوار لی گشادی بر تن دارد.
- شهلا** سی و پنج ساله. رفیق و همکار قدیمی الهام. چاق و بد قواره. موهای فر کوتاهی دارد.

تمامی اتفاقات در خرداد ۱۳۶۰ (لواسان) رخ می دهد:

۱- دکان: یک باب دکان سه بر. از هر سه طرف شیشه های نوشته شده با عنوان باغداری- بنگاه معاملات ملکی عراقی، تلفن ۴۶۹۰، جلوی در یک پادری سیاه رنگ، در مرکز دکان یک میز بزرگ فلزی که رویش را با پلاستیک پوشانده اند که بخش جلویی میز زنگ زده و تبله کرده است. زیر میز گاو صندوق است. میز و صندلی های بدقواره به رنگ قهوه ای سوخته. تابلوفرش چهره حضرت محمد (ص) بر دیوار و گردسوزی روی طاقچه دکان. اینجا خانه ای بوده که بعد از تخریب و تبدیل آن به زمین کشاورزی، دکان شده است. کاسه ملامینی طرح تاج محل و یک شانه سفید کبره بسته روی طاقچه، همراه با عکس پیرمرد طاس که اسمش (حاجی عراقی) را کنارش نوشته به چشم می خورد.

۲- حیاط خانه: در حیاط خانه درخت انجیر با تنه نازک اما شاخه های بسیار زیاد و در بالای شاخه ها انجیرهای خشک شده، انبوه شاخه هایی که بهشان آب نمی رسید و هرس نشده اند، دیوارها همگی سیمان سفید چرک هستند. تختی قدیمی که گبه

کهنه پسته‌ای رنگ بر آن میخ شده و حوض شکسته مستطیل شکل که به تازگی ساخته شده و راه آب ندارد، در سمت چپ حیاط دیده می‌شود. دری کوچک و کوتاه که منتهی می‌شود به آب‌انبار مخروبه و چند پله سمت راست که به اتاق راه دارد. ایوانی گچ‌بری شده که سقف پاگرد ورودی است و آجرهایی که نم‌کشیده و معوج شده است. باغچه خالی و بی گل است.

۳- قبرستان: پشت در قبرستان، یک دیوار بلوک‌چینی شده با رنگ سفید اسپری پوشانده شده است.

«کف زمین گودی خون دیده می‌شود، هر شخصیتی که از سرگذر عبور می‌کند ردپای قرمزی از قدم‌هایش دیده می‌شود.»

پایان

۲۹ / آبانماه / ۱۴۰۰

ساعت شش و چهل و هشت دقیقه عصر

باسپاس از

شهرام احمدزاده، محسن عظیمی، هومن بنائی،

نشر آماره (فرهاد نوع پرست)،

دبیرخانه نخستین جشنواره نمایشنامه نویسی نشر آماره

«ویژه استاد خسرو حکیم رابط»

و با تشکر از

فرامرز طالبی، محمد یعقوبی و ناهید احمدیان.

فهرست آثار ادبیات داستانی و نمایشی نشر آماره

نمایشنامه‌ها

- راهزنان / فردریک شیلر / مترجم: علیرضا کوشک جلالی (نامزد دهمین دوره انتخاب آثار برتر ادبیات نمایشی ایران؛ در بخش ترجمه)
- باد زرد «وینسنت ون گوگ» - تولدی دیگر / علیرضا کوشک جلالی
- استخوان ماهی جادویی - بچه‌های دریا - راز پروانه‌ها - هاپچه - سیزده نمایشنامه کوتاه و کم حرف (پانتومیم) - علاءالدین و غول چراغ جادو - افسانه ماردوش - ماجرای دختری که شاید شاهزاده خانم بود - یک سیب برای دو نفر! / منوچهر اکبرلو
- هینکه من / ارنست توللر / مترجم: ایرج زُهری
- رگ / ایوب آقاخانی
- صبا - ذبیح - خواستگاران مهری / صبوره رنگرز / مقدمه: دکتر عطاالله کوپال
- قند خون - کمیته نان / لیلی عاج
- چند سال پیش / کهبد تاراج
- مسافر اتاق شماره ۳۷ - سزارین - ژرژت مشکی / هومن بنائی / مقدمه: جهانگیر هدایت
- آشویتس زنان - مربع (نامزد دهمین دوره انتخاب آثار برتر ادبیات نمایشی ایران؛ در بخش اقتباسی) / علی صفری
- غبارروبی از خاطرات ماه سیما در بایگانی عدلیه / مجید دیندار
- هیله - هجده / محسن عظیمی
- وارثان / شهرام احمدزاده
- خُده و عشق / شیلر / ترجمه یوسف اعتصامی
- تنها گریخته - بزن بریم / کاریل چرچیل / مترجم: پریسا سالاری
- خُر ریاحی / عبدالرزاق عبدالواحد / مترجم: سید مهدی حسینی‌نژاد
- تک‌گویی‌های مرگ، تک‌گویی‌های عشق / زهره یحیایی
- بیهوده قرمز نشدن / سعید زارع (نامزد دهمین دوره انتخاب آثار برتر ادبیات نمایشی ایران؛ در بخش اقتباسی)
- دگردیسی‌ها (مری زیمرمن) - ساحلی‌ها (وجدی معوض) - ریپ وان وینکل (ماکس فریش) / مترجم: نازنین میهن
- بندخانه / زهرا مینویی (نامزد دهمین دوره انتخاب آثار برتر ادبیات نمایشی ایران؛ در بخش تالیف)
- تسویه حساب / پوریا عبدی
- رنوی زرد / مهدیس غنی زاده
- از همان شب که خورشید آمد - صبح دی ماه و عطر بهارنارنج / ندا ثابتی
- یک لقمه نان / یوجین اونیل / مترجم: محمدرضا حسن‌زاده جوانیان
- معجزه ماکارونی / فرامرز طالبی
- سه شب بی‌خواهی دیگر / کاریل چرچیل / ترجمه ناهید احمدیان
- استلا / گوته / ترجمه بهنام مشایخی

- زندگی آشفالی / نکيسا راستين
- آثار برگزیده نخستین جشنواره نمایشنامه‌نویسی آماره: بحرالमित (مهدی گلزار) ت به خاموشی خواهم رفت (مهدی اکبری) ت سفر تابوت چوبی (سید مرسلین ترابی)
- ۷ نمایشنامهٔ صحنه‌ای از استاد خسرو حکیم رابط: آنجا که ماهی‌ها سنگ می‌شوند/ سهراب شنبه - سهراب و ساز و والی قبرستان [در یک مجلد]/ اتاق شماره ۶/ ایوب دلتنگ خسته خندان - به بهانهٔ آزادی - احمد آقا [در یک مجلد]
- ۱۷ نمایشنامهٔ رادیویی از استاد خسرو حکیم رابط: سهیل و هفت برارون به انضمام نقد دکتر فرشته حکمت/ فیل در پرونده و خرسی که می‌خواست خرس باقی بماند [در یک مجلد]/ تیم دونفره - مرد میدان و پیرزن مهربان - خجالت بکشید آقای ترحم - روشنی چشمانم [در یک مجلد]/ توطئه بر ضد دولت - عطسه - عطسه؛ فضولی فروتنانه در کار آن نازنین [در یک مجلد]/ قهرمان فیلم‌های جنایی - زمانه در ظرف زمان - زیر تیغ آفتاب [در یک مجلد]/ بانگ زنگ فیل فیلن - حراج در ساعت هشت - شرطبندی - شرطبندی؛ فضولی دیگری در کار آن نازنین [در یک مجلد]

فیلمنامه

- داستان ازدواج/ نوآ بامباک/ مترجم: حامد سلیمان‌زاده

ادبیات داستانی

- ماخونیک/ محسن فاتحی (نامزد جایزه ادبی مهرگان دوره ۱۹ و ۲۰)
- طبرخون/ محسن فاتحی (نامزد جایزه ادبی مهرگان دوره ۲۱ و ۲۲)
- جوق کلنگان/ محسن فاتحی
- زبده‌التواریخ بایسنغری/ محسن فاتحی (نامزد چهلمین جایزه کتاب سال در گروه تاریخ - ۱۴۰۱)
- ظفرنامه/ (تیمور گورکان)/ محسن فاتحی
- ماهرخ/ ایرج افشاری اصل
- شاهد دوم شخص غایب/ مهراوه موسوی
- درکات/ آرش جواهری
- فانوس به دستان شیلان/ حمید نوغانی

نحوه فروش آثار

- مراجعه به سایت نشر آماره به همراه اطلاعات کتابها و پخشیهات ورود به پنل کاربری و انتقال کتابها به سید خرید www.nashreamareh.ir
- از طریق اپلیکیشن طاقچه (برای تهیهٔ نسخه E-pub)
- تماس تلفنی و پیامکی، واتس آپ و تلگرام با شماره تلفن: